

دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران درباره درس اندیشه

اسلامی در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

یداله جنتی، محمدعلی افضلی، نسرين خاکی، نرگس امیری نوجده

چکیده

مقدمه: ارزیابی مداوم از کارکردهای درس اندیشه اسلامی و بازنگری در روش‌های ارائه برای هر چه کارآمدتر کردن آنها در پاسخ‌گویی به نیازهای نسل نو و انتقال ارزش‌های اسلامی به آنان ضروری است. لذا در راستای ضرورت ارزشیابی برنامه آموزشی، پژوهش حاضر با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان درباره درس اندیشه اسلامی انجام شد.

روش‌ها: مطالعه از نوع توصیفی بوده و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران مشغول به تحصیل در نیمسال اول ۱۳۸۸-۱۳۸۷ بودند. نمونه‌گیری به صورت سرشماری انجام شده و تعداد ۵۴۹ دانشجوی پرسشنامه محقق‌ساخته را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر آمار توصیفی، مقایسه نوع دیدگاه آزمودنی‌ها بر اساس متغیرهای کیفی (اسمی و رتبه‌ای) از جمله جنسیت، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی با استفاده از آزمون‌های آماری کای اسکوئر، کروسکال والیس و من ویتنی انجام شد.

نتایج: میانگین سنی شرکت‌کنندگان $20/79 \pm 2/59$ سال و اغلب ایشان (۶۸/۹ درصد) دختر بودند. یافته‌ها حاکی از آن است که محتوای کتب اندیشه اسلامی، مدرسان این درس، برنامه‌ریزی آموزشی و تأثیر مثبت این درس بر ویژگی‌های فردی دانشجویان، مورد رضایت ۸۷/۳ درصد دانشجویان (۴۷۹ نفر) است. همچنین بین متغیرهایی مانند جنسیت و رشته تحصیلی دانشجویان با دیدگاه‌های آنان تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: علی‌رغم دیدگاه‌های مثبت دانشجویان نسبت به جنبه‌های مختلف این درس، نظرات منفی را نباید نادیده انگاشت و لذا باید درصدد رفع نواقص تلاش نمود، چرا که نیاز جوانان هر روز در حال تغییر است و متناسب با نیاز آنها کتاب و شیوه‌های آموزشی نیز باید به روز شوند.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان علوم پزشکی مازندران، واحد درسی اندیشه اسلامی، ارزشیابی آموزشی، دیدگاه دانشجویان، آموزش مذهبی، الهیات

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی / آذر ۱۳۹۰؛ ۱۱(۵): ۴۹۶ تا ۵۰۵

مقدمه

دانشجویان از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی جامعه هستند. توجه به رشد و تعمیق مبانی و اندیشه‌های فکری و فضایل اخلاقی آنان وظیفه دولت اسلامی است. فلسفه

این مقاله حاصل طرح تحقیقاتی است که با شماره ۳۴-۸۷ تاریخ ۸۷/۴/۱۲ توسط معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی مازندران تصویب و هزینه‌های آن پرداخت گردیده است.

این مقاله در تاریخ ۸۸/۵/۱۴ به دفتر مجله رسیده، در تاریخ ۹۰/۴/۵ اصلاح شده و در تاریخ ۹۰/۵/۱۸ پذیرش گردیده است.

* نویسنده مسؤو: دکتر یداله جنتی (استادیار)، گروه روان‌پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

Jannati.yadollah@gmail.com

محمد علی افضلی (مربی)، گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مازندران. پژوهشگر علوم اسلامی، دانشجوی دوره دکتری قرآن و منابع اسلامی، دانشگاه علوم حدیث قم، ایران. (afzali2006@yahoo.com)؛ نسرين خاکی، دانشجوی دوره دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(n_khaki2001@yahoo.com)؛ نرگس امیری نوجده، کارشناس مدیریت

آموزشی، دانشکده پرستاری و مامایی ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران. (margesamirinojadeh@yahoo.com)

تغییرات اساسی پیدا کرده است، عدم توجه عملی به این تغییرات، سیستم آموزشی را با ناکارآمدی و نارضایتی مشتریان (دانشجویان) مواجه می‌کند(۴).

اصولاً در کشور ما پارادایم واحدی با سبک و سیاق یکسان بر فرهنگ آموزشی ما حاکم است. بدین معنا که مسأله را به جای این که از مخاطب (و به اقتضای تنوع و تفاوت مخاطبین) و یا دست کم در یک تعامل دو سویه دریافت کنند، از یک جانب و بنابر ذهنیت‌های پیشین طرح و سپس پاسخ می‌دهند. با وجود این به نظر می‌رسد باید در مورد خاص معارف اسلامی خلق پارادایم صورت گیرد و طرحی نو، که عمده‌تاً مبتنی بر مخاطب‌نگری و مسأله محوری باشد، ساخته شود. چرا که کتاب معارف اسلامی باید مسأله محور، یعنی مبتنی بر مسأله‌شناسی و نیازسنجی‌های مکرر و پیوسته باشد. به مرور زمان و همواره به تبع مسایل و پرسش‌ها و به طور کلی انتظارات مخاطبین، شکل و محتوا تغییر و دگرگونی یابد(۵).

در کنار ایجاد محتوای مناسب در کتاب‌ها، اساتید درس اندیشه اسلامی نیز وظایفی به عهده دارند. از مهم‌ترین وظایف آنها ایجاد تحول و تنوع در این دروس است که متناسب با تحول مخاطبان امری ضروری است. چنانچه برنامه‌ای برای تغییر و تحول وجود نداشته باشد، گروه‌های معارف مطابق با رشد سطح فکری و علمی دانشجویان و تغییر فضاهای فکری و ذهنی آنها حرکت نخواهد کرد و جذابیت خود را برای مخاطب جدید از دست خواهد داد. در نتیجه اثرات مثبتی که باید داشته باشد خنثی می‌شود(۶).

آراسته معتقد است بازخوردهای دانشجویان، اطلاعات ویژه‌ای را در اختیار مدرس قرار می‌دهد که وی می‌تواند در بهبود کیفیت عملکرد و اثربخشی خود از آنها بهره گیرد. این فرآیند ماهیتی ارزشمند دارد و نشان‌دهنده همکاری نزدیک دانشجویان و مدرس است(۷).

در زمینه نگرش دانشجویان نسبت به دروس اندیشه اسلامی تاکنون مطالعات اندکی انجام شده است. نتایج

وجودی گنجانیدن دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها کمک به دانشگاه‌ها در ایفای نقش ذاتی و مأموریت اساسی آنها یعنی «انسان‌سازی» بود که با اهدافی مانند آشنایی دانشجویان با اندیشه‌های دینی در حوزه باورها، ارتقای معنویت و اخلاق، پاسخ‌گویی به مسائل وجودی انسان، افزایش شناخت و سطح آگاهی دانشجویان نسبت به تفکر دینی، ایجاد تغییرات اساسی در رفتار و عادات دانشجویان، اشاعه دو عنصر علم و روحیه تدین در میان دانشجویان و ترویج بینش سیاسی در میان دانشجویان انجام گرفت(۱).

گزارش دپارتمان مطالعات دینی در مؤسسه تضمین کیفیت محتوای درسی دانشگاه‌ها که مطالعات مذهبی دانشگاه‌های افریقا و آسیا را مورد بررسی قرار داده است، نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها برنامه‌هایی در سطح دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دارند به نحوی که دانشجویان می‌توانند واحد مطالعات دینی را به صورت یک واحد مجزا و یا همراه با درس یا زبان دیگری بگیرند. نتایج تحلیل کار دانشجویان نشان داد که دروس مطالعات دینی در ارتقای مهارت تفکر و تحلیل انتقادی دانشجویان موفق بوده است(۲).

در دانشگاه کمبریج نیز واحدهای درسی در رابطه با معنویت به دانشجویان ارائه می‌گردد. این واحدها برای پاسخ به سؤالاتی در مورد وجود انسان، مذاهب جهان و نیز وجود خدا مفید هستند. هر چند در این واحد بحث اصلی در مورد مسیحیت است اما دانشجویان می‌توانند در مورد مذاهب دیگر از جمله مذاهب سنتی هندی‌ها نیز اطلاعاتی به دست آورند(۳).

یکی از اصول مهم در برنامه‌ریزی درسی، سنجش نیازهای واقعی و وظایف حرفه‌ای مخاطبان و مبنا قرار دادن آنها در برنامه‌ریزی است. بنابراین، گام اساسی و اولیه برای هرگونه تحول در برنامه‌ریزی درسی، مطالعه نیازهای آموزشی است. از آن جایی که امروزه جوانان ما با سؤالات جدیدی رو به رو هستند و شرایط محیطی

پژوهش حاضر این امکان را برای دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان آموزشی معارف اسلامی فراهم می‌سازد تا بتوانند با استفاده از نظرات دانشجویان، نکات مثبت و منفی و مشکلات موجود در راه ارتقای آموزش معارف اسلامی را شناسایی نمایند و براساس آن، با دید باز و مبتنی بر شواهد علمی، تصمیمات لازم را نسبت به بازبینی، اصلاح و تجدیدنظر اتخاذ نمایند.

روش‌ها

این مطالعه از نوع توصیفی بوده و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان رشته‌های مختلف علوم پزشکی در دوره‌های روزانه و شبانه دانشگاه علوم پزشکی مازندران بودند که در مقاطع کاردانی تا دکترای حرفه‌ای مشغول به تحصیل بودند.

نمونه‌گیری به صورت سرشماری انجام شد. تعداد ۵۴۹ دانشجو از جامعه پژوهش که شرایط ورود به مطالعه (اخذ یکی از دروس اندیشه اسلامی ۱ یا ۲ در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷) را داشتند وارد مطالعه شدند. داده‌ها توسط پرسشنامه محقق‌ساخته که پس از ۳ مصاحبه آزاد با دانشجویان و مشورت با اساتید اندیشه اسلامی طراحی شده بود گردآوری شد. قسمت اول پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک بود. در قسمت دوم برای اطلاع از دیدگاه دانشجویان در زمینه دروس اندیشه اسلامی، سؤالات در ۴ بخش (محتوای کتاب درسی، ویژگی‌های مدرسان، تجارب شخصی در مورد اثرات مثبت واحد درسی و برنامه‌ریزی آموزشی این دروس) مطرح گردید. پس از اطمینان از روایی محتوی (توسط صاحب‌نظران) و بررسی از نظر پایایی با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد (آلفای کرونباخ ۰/۸۶) ۲۷ گویه مناسب در مورد دروس اندیشه اسلامی بر اساس مقیاس طیف لیکرت (کاملاً موافقم برابر ۴ تا کاملاً مخالفم برابر ۱) تنظیم شد. طراحی حدود ۶ گویه برای هر سؤال اصلی کمک می‌کرد تا با وجود سؤالات متعدد بتوان در

یکی از این مطالعات نشان می‌دهد که عمده‌ترین مشکلات دانشجویان در ارتباط با دروس اندیشه اسلامی عبارتند از: مشکلات استادان ۴۵ درصد، محتوای دروس ۲۸/۵ درصد، برنامه‌ریزی دروس ۳/۸ درصد، نداشتن انگیزه برای درس خواندن ۸/۲ درصد، نامناسب بودن زمان ارائه دروس ۴۴ درصد، نامناسب بودن مکان ارائه دروس ۳۸ درصد، شلوغی کلاس ۵۹ درصد، ضعف علمی منابع ۵۴ درصد و نامناسب بودن نوع درس ۴۰ درصد (۹).

مجیدی در ارائه نتایج پژوهش خود تحت عنوان سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی بیان می‌دارد که اکثر دانشجویان معتقد بوده‌اند که گذراندن دروس معارف نتوانسته است به تقویت رفتارهای اخلاقی، پاسخ‌گویی به نیازهای هویتیابی دینی، نیازهای رفتاری و کسب شیوه‌های عملی زیست دینی آنان منجر شود (۱). این یافته در حالی ارائه می‌شود که وی به نقل از مطالعه‌ای که توسط سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۰ صورت گرفت اعلام می‌دارد که ۶۸ درصد از دانشجویان معتقدند که دروس معارف اسلامی در تقویت بینش اسلامی آنان مؤثر بوده است و اعتقادات دینی‌شان قبل و بعد از دروس معارف تفاوت کرده و دروس معارف در تقویت باورهای دینی نقش داشته است (۱).

علاوه بر تناقض‌های موجود و انجام تحقیقات کم در ایران در مورد نگرش دانشجویان نسبت به دروس اندیشه اسلامی، متفاوت بودن مدرسین، دانشجویان و سیستم آموزشی در هر مرکز دانشگاهی و همچنین به علت عدم انجام چنین تحقیقی به طور خاص در دانشگاه‌های علوم پزشکی، اطلاعات کافی در این زمینه در دسترس نیست. لذا در راستای ارتقای کیفیت آموزش عالی، و ارزشیابی برنامه آموزشی، پژوهش حاضر با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی مازندران درباره دروس اندیشه اسلامی (محتوی کتاب، مدرسان آن، اثرات مثبت و برنامه‌ریزی آموزشی این دروس) در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ انجام شد. نتایج

دانشجویان با توجه به واحد اخذ شده به سؤالات مربوط به دروس اندیشه اسلامی یک (۳۸۳ نفر) و دو (۱۶۶ نفر) پاسخ دادند.

فراوانی نظرات دانشجویان به تفکیک درس و موضوع مورد پرسش در جدول ۱ ارائه شده است.

یافته‌ها نشان داد که محتوای کتاب‌های درسی اندیشه اسلامی یک و دو از نظر تناسب با نیازهای نسل جوان، استفاده مناسب از آیات قرآنی، تناسب حجم کتاب با ساعت درسی، پیوستگی مطالب، نوع نگارش از نظر روان و سلیس بودن و نیز استفاده مناسب از مباحث عرفانی، عقلی و فلسفی مورد رضایت اکثریت دانشجویان بوده است (اندیشه اسلامی یک ۸۸/۲ درصد و اندیشه اسلامی دو ۷۸/۹ درصد دانشجویان).

نتایج محاسبات توصیفی درباره دیدگاه دانشجویان نسبت به مدرسان این درس بیانگر این بود که اکثریت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران که در این مطالعه شرکت داشتند، از مدرسان درس اندیشه اسلامی یک و دو از نظر ویژگی‌هایی مانند پاسخ‌گویی به سؤالات اعتقادی، ایجاد شرایط لازم برای گفت و گو و مشارکت دانشجویان، توان علمی متناسب با محتوای درس، نحوه تدریس و انتقال مطالب درسی، برقراری رابطه عاطفی با دانشجویان، در دسترس بودن در خارج از ساعت کلاس و نیز ایجاد انگیزه لازم برای مطالعه و فراگیری محتوای درسی رضایت داشتند (اندیشه اسلامی یک ۸۴/۳ درصد و اندیشه اسلامی دو ۹۲/۲ درصد دانشجویان).

یافته‌های مربوط به تأثیر مثبت درس اندیشه اسلامی یک نشان داد که ۲/۶ درصد دانشجویان کاملاً مخالف و ۱۳/۶ درصد آنان تا حدودی مخالف بودند، در حالی که بخش عمده‌ای از دانشجویان با نقش مثبت این درس و تأثیر آن بر ویژگی‌های فردی خود از جمله تقویت روحیه پرسشگری، نگرش مثبت به دین، تحکیم و ارتقای باورهای دینی و ارضای حس کنجکاوی دینی تاحدودی موافق (۵۷/۴ درصد) و یا کاملاً موافق (۲۶/۴ درصد)

قالب یک مطالعه به آنها پاسخ داد. پژوهشگران با تأیید معاونت پژوهشی و اخذ معرفی‌نامه برای ارائه به دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی مازندران، با همکاری مسئولین آموزش دانشکده‌ها اقدام به توزیع پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها نمودند. به این ترتیب که همکار طرح در پایان جلسه آزمون ترم، پرسشنامه‌ها را بین دانشجویان حاضر توزیع و از آنان درخواست می‌نمود در صورت تمایل به سؤالات پاسخ دهند. با توجه به بی‌نام بودن پرسشنامه‌ها، برگشت آنها به عنوان رضایت دانشجویان برای شرکت در طرح تلقی گردید. هنگام تحلیل داده‌ها در برنامه SPSS-14 علاوه بر آمار توصیفی، برای مقایسه نوع دیدگاه آزمودنی‌ها بر اساس متغیرهایی کیفی (اسمی و رتبه‌ای) از جمله جنسیت، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی از آزمون‌های آماری غیر پارامتری کای اسکوئر، کروسکال والیس و من ویتنی یو استفاده شد.

نتایج

از ۶۵۱ پرسشنامه توزیع شده، درصد بازگشت حدود ۷۸ درصد بود که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص در نهایت ۵۴۹ پرسشنامه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پاسخ دهندگان دارای میانگین سنی 20.79 ± 2.09 سال، و ۶۸/۹ درصد دختر و ۳۱/۱ درصد پسر بودند. مقاطع تحصیلی دانشجویان شامل کاردانی (۴۰/۱ درصد)، کارشناسی (۳۸/۲ درصد)، کارشناسی ناپیوسته (۹/۲ درصد) و دکترای حرفه‌ای (۱۲/۵ درصد) در رشته‌های پزشکی، داروسازی، پرستاری، مامایی، بهداشت (خانواده، عمومی، محیط و حرفه‌ای)، مبارزه با بیماری‌ها، اتاق عمل، هوشبری، مدارک پزشکی، فوریت‌های پزشکی و رادیولوژی بود.

حضور در ترم‌های تحصیلی یک تا چهار در دوره‌های روزانه ۷۳/۷ درصد (۴۰۵ نفر) و شبانه ۲۶/۳ درصد (۱۴۴ نفر) و میانگین معدل 15.88 ± 1.44 از دیگر ویژگی‌های دانشجویان شرکت‌کننده در این تحقیق بود.

بودند. بررسی این ویژگی در مورد درس اندیشه دو نیز مبین دیدگاه مثبت و رضایت مندی اکثریت دانشجویان (۷۸/۹ درصد) است.

نظر دانشجویان در مجموع نسبت به برنامه‌ریزی‌های انجام شده توسط آموزش دانشگاه (از جمله تعداد واحد مناسب، ضرورت وجود این دروس در دانشگاه‌های علوم پزشکی، امکانات آموزشی متناسب با این دروس، تعداد دانشجویان در کلاس، حضور دانشجویان از رشته‌های

مختلف در یک کلاس، اهمیت دادن به این درس در برنامه‌ریزی آموزشی و ارائه مناسب درس در دانشگاه) مثبت بود. بدین نحو که در هر دو واحد درسی ۱۹/۶ درصد دانشجویان تا حدودی مخالف شرایط فعلی ارائه دروس بود. ۸۴ درصد دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی‌های مربوط به ارائه این دروس نظر موافق خود را اعلام نموده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱: دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران درباره دروس اندیشه اسلامی (یک و دو) در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

دیدگاه‌های دانشجویان سوالات اصلی تحقیق	کاملاً موافق		موافق		مخالف		کاملاً مخالف	
	یک †	دو ††	یک	دو	یک	دو	یک	دو
دیدگاه دانشجویان در مورد محتوای کتاب	۲۰/۱٪	۱۵/۱٪	۶۸/۱٪	۶۵/۷٪	۱۰/۷٪	۱۸/۷٪	۱/۰٪	۰/۶٪
دیدگاه دانشجویان در مورد مدرسان	۳۵/۲٪	۴۷٪	۴۹/۱٪	۴۵/۲٪	۱۲/۵٪	۷/۲٪	۳/۱٪	۰/۶٪
دیدگاه دانشجویان در مورد اثرات مثبت درس	۲۶/۴٪	۲۱/۱٪	۵۷/۴٪	۵۷/۸٪	۱۳/۶٪	۱۶/۳٪	۲/۶٪	۴/۸٪
دیدگاه دانشجویان در مورد برنامه‌ریزی آموزشی	۷/۳٪	۹٪	۷۳/۱٪	۷۰/۵٪	۱۹/۶٪	۱۹/۹٪	۰/۰٪	۰/۶٪

† درس اندیشه اسلامی یک

†† درس اندیشه اسلامی دو

جهت مطالعه دقیق‌تر و یافتن تفاوت‌های بین دوره‌های تحصیلی روزانه و شبانه با دیدگاه‌های دانشجویان در مورد محتوای کتاب، مدرسان، اثرات مثبت این واحدهای درسی و برنامه‌ریزی آموزشی این دروس از آزمون من‌ویتنی‌یو استفاده شد و یافته‌ها نشان داد که بین دانشجویان روزانه و شبانه و دیدگاه‌های آنان تفاوت معناداری وجود ندارد (جدول ۲).

سپس جهت یافتن تفاوت‌ها در دیدگاه‌های دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف نسبت به این درس از آزمون کروسکال والیس استفاده شد که نتیجه محاسبات

هیچ‌گونه تفاوت معناداری را نشان نداد (جدول ۲). مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان دختر و پسر هم که با استفاده از آزمون من‌ویتنی‌یو انجام پذیرفت تفاوت معناداری را از نظر جنسیت دانشجویان نشان نداد (جدول ۲). یافته‌های مربوط به قضاوت در مورد دیدگاه کلی دانشجویان در مورد دروس اندیشه اسلامی یک و دو با توجه به متغیرهای مختلف بررسی شده مبین این یافته است که در مجموع ۱۲/۸ درصد دانشجویان نسبت به این درس نظر مخالف و ۸۷/۳ درصد نظر موافق داشته‌اند.

جدول ۲: رابطه دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران درباره دروس اندیشه اسلامی (یک و دو) با متغیرهای دموگرافیک (جنس، دوره تحصیلی و رشته تحصیلی) در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

متغیرهای دموگرافیک	دیدگاه‌های دانشجویان									
	محتوای کتاب	مدرسان		اثرات مثبت درس		برنامه‌ریزی آموزشی		آزمون‌های غیر پارامتریک		
		یک	دو	یک	دو	یک	دو	یک	دو	
جنس (مرد - زن)	Z	-۰/۸۷	-۱/۲۷	-۰/۹۴	-۱/۱۲	-۱/۱۳۷	-۱/۰۲	-۰/۵۴۵	Z	Mann-Whitney U
	Sig.	۰/۹۳۰	۰/۲۰۴	۰/۹۲۵	۰/۹۰۵	۰/۲۵۵	۰/۳۰۸	۰/۵۸۶	Sig.	
دوره تحصیلی (روزانه - شبانه)	Z	-۲/۷۱۴	-۰/۵۶۰	-۱/۰۸۸	-۰/۴۶	-۰/۶۹۹	۰/۱۶۴	-۰/۱۷۹	Z	Mann-Whitney U
	Sig.	۰/۰۰۷	۰/۵۷۶	۰/۲۷۷	۰/۹۶۳	۰/۴۸۵	۰/۸۷۰	۰/۸۵۸	Sig.	
رشته تحصیلی	df	۶	۱۳	۶	۱۳	۶	۱۳	۶	df	Chi-Square
	Sig.	۰/۳۹۰	۰/۱۰۹	۰/۷۱۹	۰/۶۷۸	۰/۲۴۲	۰/۳۴۱	۰/۳۵۷	Sig.	Kruskal Wallis Test

† درس اندیشه اسلامی یک

†† درس اندیشه اسلامی دو

بحث

بودند(۸). نتایج با یافته‌های تحقیق حاضر، در مورد رضایت دانشجویان (۷۸/۹ درصد) از اثرات مثبت شرکت در کلاس‌های دروس اندیشه اسلامی و تأثیر آن بر ویژگی‌های فردی خود از جمله تقویت روحیه پرسشگری، نگرش مثبت به دین، تحکیم و ارتقای باورهای دینی و ارضای حس کنجکاو دینی را تأیید می‌نماید.

یافته‌های مطالعه لیاقت‌دار که با هدف بررسی میزان رضایت دانشجویان از دروس عمومی معارف اسلامی در شهر کرمان انجام شد حاکی از این است که فقط ۳۵/۱ درصد دانشجویان نسبت به گذراندن دروس اندیشه اسلامی یک و ۲۶/۹ درصد نسبت به گذراندن دروس اندیشه اسلامی دو در سطح زیاد و بسیار زیاد رضایت داشته‌اند(۹). در حالی که در مطالعه حاضر ۸۷/۳ درصد دانشجویان در مورد ابعاد مختلف دروس اندیشه اسلامی ابراز رضایت نموده‌اند که با توجه به یکسان بودن محتوای کتاب باید این تفاوت را در متغیرهای دیگری از جمله تسلط مدرسان بر مباحث و روش‌های نوین تدریس جستجو نمود.

نتایج تحقیق یوسفی لویه بیانگر این مطلب است که انگیزه دانشجویان برای دروس اندیشه اسلامی بسیار بالاست به شرط آن که استادان بتوانند با پاسخ‌گویی مناسب و همچنین رفتارهای شایسته و منطقی، انگیزه آنان را

یافته‌های این مطالعه که با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی مازندران در مورد دروس اندیشه اسلامی با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شد، نشان داد که محتوای کتاب‌های دروس اندیشه اسلامی ۲۱ از نظر تناسب با نیازهای نسل جوان، مدرسان آن از نظر پاسخ‌گویی به سؤالات اعتقادی و ایجاد شرایط لازم برای گفت و گو و مشارکت دانشجویان، برنامه‌ریزی آموزشی از نظر اهمیت دادن به این دروس و تأثیر مثبت آن بر ویژگی‌های فردی دانشجویان از جمله تقویت روحیه پرسشگری، نگرش مثبت به دین مورد رضایت اکثریت دانشجویان (۸۷/۳ درصد) است. مطالعات مشابه معدودی در این زمینه وجود دارد که در ادامه مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. یوسفی لویه در مطالعه‌ای با هدف بررسی تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان دوره روزانه دانشگاه‌های استان تهران در مقاطع و رشته‌های مختلف که بر روی ۱۹۰۰ دانشجو انجام داد نتیجه گرفت که نگرش دینی دانشجویان در حد مطلوب (یعنی قوی و مثبت) است و دانشجویانی که دروس اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را گذرانده بودند نسبت به آنانی که این دروس را نگذرانده‌اند از نگرش دینی مطلوب‌تری برخوردار

لازم برای مطالعه و فراگیری محتوای درسی دلالت دارد. ایجاد عطش مطالعه نیز یکی از اموری است که در زمینه بارورسازی اندیشه‌ها می‌تواند بسیار مؤثر باشد (۱۳). در این مطالعه حدود نیمی از دانشجویان اعلام نموده‌اند که مدرسان انگیزه لازم را برای مطالعه و فراگیری محتوای درسی فراهم می‌نمودند.

یافته‌های تحقیق حاضر علی‌رغم نتایج یکی از مطالعات که عمده‌ترین مشکلات دانشجویان در ارتباط با دروس اندیشه اسلامی را مشکلات مربوط به مدرسان (۴۵ درصد)، محتوای دروس (۲۸/۵ درصد)، برنامه‌ریزی دروس (۳/۸ درصد)، نامناسب بودن زمان ارائه دروس (۴۴ درصد)، نامناسب بودن مکان ارائه دروس (۳۸ درصد)، و شلوغی کلاس (۵۹ درصد) می‌داند (۱۰)؛ نشان داد که اکثریت دانشجویان (۸۶/۷ درصد) از مدرسان اندیشه اسلامی و ۸۶ درصد آنان از محتوای کتاب درسی رضایت داشته‌اند اما تأکید دانشجویان (۲۷/۱ درصد) بر این که در برنامه‌ریزی آموزشی به این دروس اهمیت لازم داده نمی‌شود با نتایج پیشگفت همخوانی دارد. این مشابهت اعلام شده نیز حاکی از این واقعیت است که عدم توجه به برنامه‌ریزی آموزشی دروس عمومی از جمله این دروس یک رویه کشوری شده است.

علی‌رغم این که کارکرد آموزش‌های دینی و معارف، افزایش عواطف دینی، گسترش تجربه دینی و تعمیق باورهاست (۱۲). اما مجیدی در ارائه نتایج پژوهش خود تحت عنوان سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی بیان می‌دارد که اکثر دانشجویان معتقد بوده‌اند که گذراندن دروس معارف نتوانسته است به تقویت رفتارهای اخلاقی، پاسخ‌گویی به نیازهای هویت‌یابی دینی، نیازهای رفتاری و کسب شیوه‌های عملی زیست دینی آنان منجر شود (۱). این در حالی است که وی به نقل از مطالعه‌ای که توسط سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۰ صورت گرفت؛ اعلام می‌دارد که ۶۸ درصد از دانشجویان معتقدند که دروس معارف

تقویت نمایند (۸). در مطالعه حاضر نیز مشاهده شد که اکثریت دانشجویان (۷۴/۸ درصد) معتقد بودند که استادان اندیشه اسلامی پاسخ‌گوی سؤالات اعتقادی آنان بوده و انگیزه لازم را برای مطالعه و فراگیری محتوای درسی فراهم می‌کنند. از سوی دیگر یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که فقط تعداد کمی از دانشجویان (۷/۷ درصد) توانایی علمی مدرسان اندیشه اسلامی را متناسب با محتوای درس نمی‌دانند، در حالی که حدود ۷۰ درصد دانشجویان معتقدند که مدرسان این دروس توان علمی لازم را دارا هستند که با یافته‌های یوسفی لویه در بررسی دیدگاه ۲۰۳۶ دانشجوی دانشگاه‌های دولتی و آزاد، مبنی بر این که اغلب دانشجویان توان علمی مدرسان را کافی ندانسته و آن‌ها را کارآمد نمی‌دانند (۸) مغایرت دارد. این تفاوت را می‌توان به تغییرات و اصلاحات ایجاد شده در نحوه استخدام و به کارگیری مدرسان اندیشه اسلامی در سال‌های اخیر مرتبط دانست. در دروس معارف به هر ترتیب نقش استاد نقشی کلیدی است (۱۱). برخلاف سایر دروس دانشگاهی مانند زیست‌شناسی و فیزیک که واحد آزمایشگاهی دارند و صحت و سقم نظریه‌های آن درس را در آن آزمایشگاه تحقیق می‌کنند، آزمایشگاه دروس اندیشه اسلامی در درجه اول شخصیت مدرس است (۱۲). یکی از رسالت‌های استاد فراهم آوردن زمینه رشد جوانان و بهره‌گیری از طرح‌های مختلف مانند مشارکت دادن دانشجویان در مباحث، ایجاد فضای مناسب برای طرح سؤالات و شبهات از سوی آنها و از بین بردن خلاء ارتباطی بین استاد و دانشجو است. نتایج پژوهش حاضر نیز بر رضایت اکثریت دانشجویان (۸۶/۷ درصد) از مدرسان دروس اندیشه اسلامی از نظر ویژگی‌هایی مانند پاسخ‌گویی به سؤالات اعتقادی، ایجاد شرایط لازم برای گفت و گو و مشارکت دانشجویان، توان علمی متناسب با محتوای درس، نحوه تدریس و انتقال مطالب درسی، برقراری رابطه عاطفی با دانشجویان، در دسترس بودن در خارج از ساعت کلاس و نیز ایجاد انگیزه

تفاوت معناداری وجود ندارد. در نظرسنجی‌هایی که بین دانشجویان در مورد دروس معارف شده است، اکثریت دانشجویانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند بر ضرورت دروس معارف صحه گذاشته‌اند (۱۱). یافته‌های مطالعه حاضر مبنی بر ضرورت وجود دروس اندیشه اسلامی از نظر ۶۵/۹ درصد دانشجویان (۳۶۱ نفر) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در پایان این قسمت یادآوری این نکته ضروری است که پرسشنامه‌ها در پایان جلسه آزمون توزیع شد که انتخاب این زمان می‌تواند با توجه به خستگی ناشی از امتحان در نتایج تأثیرگذار باشد. همچنین دانشجویان پاسخ‌دهنده که درس اندیشه دو را داشتند به نسبت اندیشه یک کمتر بود. این دو نکته می‌تواند از محدودیت‌های مطالعه محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

نظر موافق اکثریت دانشجویان مورد مطالعه نسبت به محتوای کتاب، مدرسان، برنامه‌ریزی آموزشی دروس و تأثیرات مثبت این دروس بر ویژگی‌های فردی نشانگر آن است که نسل دانشجو برخلاف تصور، آمادگی لازم برای دریافت حقایق دینی که نیاز فطری بشر است را دارا هستند. لذا با عنایت به وجود نظرات منفی پیشنهاد می‌گردد کتب درسی مذکور همواره و طی دوره‌های پنج ساله مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. نظرات دانشجویان مورد توجه قرار گیرد تا رضایت‌مندی آنان ارتقا یابد. برنامه‌ریزان آموزشی نیز برای این دروس اهمیت بیشتری قائل شوند. با ایجاد زمینه مساعد آموزشی امکان ارائه بهتر دروس را فراهم آورند.

انجام مطالعه‌ای با هدف بررسی تأثیر این دروس بر دانشجویان و عوامل مرتبط با آن و نیز مطالعه‌ای خاص با تأکید بر دیدگاه مدرسان در مورد مشکلات آموزشی تدریس محتوای کتاب ضروری به نظر می‌رسد. در پایان توصیه می‌گردد تحقیق حاضر در سطح کشور انجام شود تا نتایج این پژوهش در سطح وسیع‌تر ملی نیز مورد

اسلامی در تقویت بینش اسلامی آنان مؤثر بوده است. اعتقادات دینی‌شان قبل و بعد از دروس معارف تفاوت کرده و دروس معارف در تقویت باورهای دینی نقش داشته است (۱). در تحقیق حاضر نیز بخش عمده‌ای از دانشجویان (۸۲/۴ درصد) با نقش مثبت این دروس و تأثیر آن بر ویژگی‌های فردی خود از جمله تقویت روحیه پرسشگری، نگرش مثبت به دین، ارضای حس کنجکاوی دینی و تحکیم و ارتقای باورهای دینی و تأکید داشته‌اند.

یکی از آسیب‌های دروس اندیشه اسلامی در دانشگاه‌ها عدم احساس نیاز بعضی از دانشجویان به حضور در این‌گونه کلاس‌هاست. این مسأله به ویژه در مورد دانشجویانی که از لحاظ نوع رشته تحصیلی تناسبی با مطالب مطرح شده در این نوع کلاس‌ها ندارند بسیار حادث است (۶). که در مطالعه حاضر نیز ۳۳/۵ درصد دانشجویان اعلام نموده‌اند که به دروس اندیشه اسلامی به عنوان یک واحد عمومی نگاه کرده و انتظار دیگری از این درس ندارند و در مورد تناسب محتوای کتاب با نیازهای نسل جوان نیز ۵۹/۱ درصد موافق و ۱۶/۷ درصد مخالف بودند. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از راه‌های جذابیت و جلب توجه دانشجویان به کلاس‌های دروس اندیشه اسلامی، تعریف سرفصل‌ها و ریزموضوعات دروس بر اساس نیازها و دغدغه‌های ذهنی قشر دانشجو و جوان امروز باشد.

در مطالعه حاضر تفاوت معناداری بین دختران و پسران دیده نشد. این با یافته‌های مطالعه لیاقت‌دار مبنی بر این که بین نظرات در دانشجویان دختر و پسر در خصوص رضایت از محتوای دروس؛ تفاوتی وجود ندارد (۹)، تأیید می‌گردد. در مطالعه لیاقت‌دار در دیدگاه دانشجویان در مورد رضایت از گذراندن دروس معارف اسلامی با توجه به نوع رشته تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد (۹). این نتیجه با یافته‌های مطالعه حاضر مغایر است به نحوی که تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین متغیر رشته تحصیلی با دیدگاه آنان نسبت به دروس اندیشه اسلامی

ارزیابی قرار گیرد.

مازندران و اداره آموزش دانشکده‌های تابعه دانشگاه علوم پزشکی مازندران، همکاری بی‌شائبه آقایان شیردل همکار محترم گروه معارف اسلامی و جناب آقای جبار حیدری فرد تقدیر می‌نمایند.

قدردانی

پژوهشگران ضمن تشکر از مشارکت دانشجویان، از مساعدت معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی

منابع

1. Majidi M. R., Fatehi A., Measurement of Students' Attitude toward Religion Course. Pajouhesh va barnamehrizi dar amouzesh ali, 2006; 12 (3): 37-55.
2. School of Oriental and African Studies. Theology and Religious Studies.[cited 2008 December]. Available from: <http://www.qaa.ac.uk/reviews>
3. University of Cambridge, Undergraduate Admissions. Theology and Religious Studies. 2008. [cited 2009 December]. [English]. Available from: <http://www.cam.ac.uk/admissions/undergraduate/courses/theology/index.html>
4. Falahi E, Kaveh MH. Medical Interns' Viewpoints about Nutrition Course in Lorestan University of Medical Sciences Iranian Journal of Medical Education, 2006; 6 (1) :75-82
5. Shahbazi A. [Ketabe maarefe eslami va lozooome masale mehvari]. Mahname amoozeshi-etela resani maaref. 2003; 11: 26. [cited 2011 Nov 10] available from: <http://www.hawzah.net/FA/magart.html?MagazineID=0&MagazineNumberID=5563&MagazineArticleID=53585>
6. Abootalebi M. [Roshd va balandegye goroo-haye maarefe eslami]. Mahname amoozeshi-etela resani ma'aref. 2008; 52: 2
7. Arasteh HR, Mahmoodi rad M. Effective teaching: an approach based on evaluation of instruction by students. Koomesh Journal of Semnan University of Medical Sciences, vije name amoozesh pezechki. 2004; (suppl_3-4) 5 (2) :1-8
8. Yosefyi looye V. [Tasire amoozeshe dorooose maarefe eslami bar negareshe dini danashjooyan]. Biquarterly Journal of Islamic Education. 2008; 3(5), , 183-181
9. Liaghat dar MJ, Shanazari J, Moslemi M. [Barresye mizan rezayate daneshjooyan az dorooose omoomi maarefe eslami dar shahre kerman]. Pajooeshname enqelabe eslami. 2008. 7(14): 1-22.
10. Yosefy looye V. [Dorooose maarefe eslami , danashjooyan, negaresh ha va gerayesh-ha: tahlile tosifi]. 1st ed. Tehran. Dabirkhane majmae goroo-haye maarefe eslami. 2000.
11. [Maaref va cheshm andazhaye nou]. Mahname amoozeshi, etela resani maaref. 2004; 13: 3. [cited 2011 Nov 10] available from: <http://www.hawzah.net/fa/MagArt.html?MagazineID=0&MagazineNumberID=5569&MagazineArticleID=53619>
12. [Taamoli dar asibshenasi dorooose maarefe eslami]. Mahname amoozeshi, etela resani ma'aref. 2001; 1: 15. [cited 2011 Nov 10] available from: <http://www.hawzah.net/fa/MagArt.html?MagazineID=0&MagazineNumberID=5569&MagazineArticleID=53619>
13. Farahzadi A. [Asatide maaref va rah-haye barvar sakhtane andishe daneshjooyan]. Mahname amoozeshi, etela resani maaref. 2006; 38: 31.
14. Rajabzade A. [Din va daneshgah dar iran]. Nashrye elmi, farhangi va tabliqi masjede daneshgah. 2002, 6: 128-134. [cited 2011 Nov 10] available from: <http://www.porsojoo.com/fa/node/1568>
15. Qomi. [Bayastehay ostadane maaref]. Mahname amoozeshi, etela resani maaref. 2004; 24: 27-31.

The Students' Opinion about Islamic Thoughts Courses in Mazandaran University of Medical Sciences in 2008-2009

Yadollah Jannati¹, Mohammad Ali Afzali², Nasrin Khaki³, Narges Amiri Nojade⁴

Abstract

Introduction: Continuous evaluation of Islamic Thoughts courses and revising the course delivery methods are necessary to make the courses more efficient to meet the needs of the youth, and to transmit the Islamic values to the students. Due to the necessity of curriculum evaluation, this study aimed at determining the students' attitude about the Islamic Thought courses.

Methods: In a descriptive study, the population of students studying in Mazandaran University of Medical Sciences in 2008-2009 was involved. Through census sampling, 549 students who had enrolled in Islamic Thoughts courses I and II, took part in the study and filled out a researcher made questionnaire. To analyze the data, in addition to descriptive statistics, chi-square, Kruskal Wallis, and Mann-Whitney U tests were employed to compare subjects' viewpoints based on qualitative variables (nominative and ordinal).

Results: The mean age of participants was 20.79 ± 2.59 , and 68.9% (378) of the subjects were female. Findings indicated that 87.3% (479) of the students were satisfied with the Islamic Thoughts books, the related instructors, their positive effects on the students, and the university educational planning for these courses. Also, there was no significant difference between students' opinions regarding their gender and study major.

Conclusion: In spite of positive viewpoints of students toward various aspects of these courses, the negative points should also be acknowledged to eliminate the defects. Since students' needs are changing, the books and educational methods should be also revised accordingly.

Keywords: Islamic Thought course, educational evaluation, students' viewpoint, religious education, Theology

Addresses:

¹ (✉) Assistant professor, Department of Psychiatric Nursing, Nasibeh Faculty of Nursing and Midwifery, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran. E-Mail :Jannati.yadollah@gmail.com

² Instructor, Department of Islamic Education, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran. Researcher of Islamic Sciences & Ph D student in Quran and Islamic Sources, Faculty of Uloom Hadith – Qom. E-Mail : afzali2006@yahoo.com

³ Ph.D student in TEFL, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-Mail : n_khaki2001@yahoo.com

⁴ Bachelor of Educational Management, Nasibeh Faculty of Nursing and Midwifery, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran. E-Mail :nargesamirinojadeh@yahoo.com